

## به فاشیزم مذهبی در رودرویی به مهاجران افغان پایان دهیم!

(بخش دوم)

امیرجوهری لنگرودی

[andishe.gbg@hotmail.com](mailto:andishe.gbg@hotmail.com)



یکی از کاربران شبکه‌های اجتماعی که با اخراج افغانی‌ها از کشور موافق است و برای آن تبلیغ می‌کند نوشته: «به دستور فرماندار ری دستور بیرون کردن اتباع غیرمجاز و افغان‌ها رو از شهرستان اعلام کرد شاید فرمانداران دیگر شهرستانهای کشور نیز از خواب غفلت بیدار شوند». علاوه بر این فرماندار منصوب دولت آیت‌الله قتلعام ابراهیم رئیسی، شهردار ری نیز در یک گفتگوی رودرو بدتر از این فرمان می‌راند.

این گونه برخورد ناصواب آنچنان نفرت برانگیز است که از جانب هرکسی صورت گیرد به یک نوع دشمنی گور و خارجی ستیزی ختم می‌شود. همه‌ی ما میلیون‌های ایرانی، سال‌های متمادی‌ست از قبل حکومت سران ضد انسانی جمهوری اسلامی، در ممالک مختلف جهان پراکنده‌ایم. بخشی به ناگزیر در تبعید و همین طور برخی ایرانیانی که زندگی در مهاجرت را برگزیده‌اند. کسانی از ما که خود تجربه‌ی بیگانه ستیزی در کشورهای میزبان غربی را داشته‌اند، و طی همین هفته در لندن شاید درگیرهای خیابانی با ایرانی‌ها توسط خارجی ستیزان حرفه‌ای با چوب و چماق و چاقو بوده‌ایم. از یادآوری توهین‌هایی که به ما می‌شود این "موبورها" و "چشم‌آبی‌ها"، ما را "کله سیاه" نامیدند، به شدت خشمگین می‌شویم. با این همه برخی از ما نسبت به پناهندگان مهاجری که از سر استیصال به کشورمان روی آورده‌اند، برخورد بدتری می‌کنیم. کودکان افغان را با سر در سطل زباله‌ی شهرداری انداختیم و خندیدیم و فراموش کردیم. انگار نه انگار که عمل خبائت آمیزی صورت گرفته است. برخورد شهردار خبیث ری نیز فرق چندانی با این‌که گفته شد، ندارد. انگار صرفاً به‌خاطر «آینده» نداشتن پناهنده‌مان با مهاجران پناهنده دشمنی

می‌کنیم! حاکمیت دولتی پناه آوردن مهاجران افغان به کشورمان را از دل سهم خواهی میلیاردی کمیساریای عالی پناهندگان با لذت چنگ می‌زنند؛ و برای سرپوش گذاشتن به منفعتی که از این اقدام می‌برد، در اطلاع رسانی به مردم خفه خون می‌گیرد که چه مبلغی از بابت اجازه ورود به افغان‌ها گرفته اند - ولی هم اینان مردم را تحریک به مقابله با آن‌ها می‌کند.

درجایی خواندم: در شهری مثل اصفهان به‌عنوان مثال در روز جشن سیزده بدر، از ورود زحمتکشان و آوارگان افغانستانی و خانواده‌های‌شان همراه با کتک و دشنام به پارک‌ها و یا حتی مکان‌های اطراف شهر نیز جلوگیری کردند یا در صف نانوایی‌ها آنان اجازه ندارند تا در صفی که هموطنان اصفهانی قرار دارند، بایستند و متأسفانه برخی از مردم هم در این نوع اعمال ضد بشری و فاشیستی با حکومتگران همراهی می‌کنند. یادستگیری دختر آواز خوان خیابانی افغانستانی که دیگر هیچ خبری از او نیست!

باید گفت: افغان‌ها از مردمان زحمتکش و مهمان‌کشور مایند و در سازندگی کشورمان به سخت‌کوشی شهره‌اند. در جنبش کارگری ما، خاصه در حوزه کارمزدی و قراردادی و سفید امضاء، در نزد پیمانکاران همه چیزخوار شهرداری‌ها و غیره جایگاه خاصی دارند و سهم زحمتکشان افغان به‌غایت از بی‌حقوقی نیروی کار کشور، بالاست. با جرأت می‌توانم بنویسم: بورژوازی ایران برای مقابله با کارگران ایرانی طرفدار ورود بی‌در و پیکر مهاجرین افغانستانی به ایران است. بورژوازی ایران ترجیح می‌دهد چنین نیروی کار ارزانی را به خدمت بگیرد که به دلیل شرایط سخت مقررات مهاجرتی، حاضر به انجام کارهای سخت و ساعات کار طولانی و دستمزد به مراتب کمتر و عدم توقع از بیمه بهداشتی و بیکاری هستند. نیروی کار بی‌توقع و ارزان قیمت و کم درد سر، بدون خواست مطالبه بیمه کارگری و بازنشستگی و داشتن تشکل مستقل و حق تشکل را در خواست خود ندارند...

مقررات سخت دولتی و پیمانکاران رانت خوار و سودجو، موجب می‌شود که این کارگران مداوم در ترس و اضطراب به سر ببرند و بردگان مطیعی برای سرمایه باشند.

تمام تلاش دستگاه‌های ایدئولوژیک ج. ا این است که فساد سیستماتیک خود را که نتیجه‌ای جز تشدید بحران اقتصادی و به تبع آن نابه‌سامانی اجتماعی نداشته را به پای مهاجرت و حضور افغان‌ها در ایران بگذارد و آن‌ها را مهم‌ترین عامل در بحران اقتصادی و برهم‌زدن نظم اجتماعی در کشور معرفی کند. برای اینکه بتواند در این کار موفق شود، از حربه ناسیونالیسم ایرانی استفاده می‌کند و با دست‌کاری ذهنیت انسان ایرانی، او را در تقابل با مهاجرافغان قرار می‌دهد مرتب در سطح شبکه‌های اجتماعی این خط فکری را پیش می‌برند که «این‌ها نه تنها اوضاع اقتصادی/اجتماعی کشور را به‌گند کشیده‌اند، بلکه بزرگ‌ترین تهدید برای دوام هویت ایرانی هم هستند». با این کار به تداوم یک نزاع فرسایشی «ایدئولوژیک/ناسیونالیستی» بین جبهه ایرانی‌ها با افغانستانی‌ها دامن می‌زند و

در این بین نه تنها عامل اصلی در به وجود آمدن وضعیت بحرانی فعلی به فراموشی می‌رود، بلکه امکان باز تولید شرایط لازم برای بقای فساد سیستماتیک حاکمیت نیز فراهم می‌شود.

ما امروز در موقعیت یک دختر و زن، پسر و مرد افغان نیستیم تا دریابیم به‌عنوان یک انسان، خواه مونث یا مذکر قربانی چه تبعیض ناخواسته‌ای شدیم، چه شکنجه و آزاری را آنها تحمل کرده‌اند تا خود را به کشور ما برسانند. یا اساساً هریک از آنان از کدام شاخه از ده‌ها گروه قومی نظیر (پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ایماق، ترکمن، بلوچ، پشه‌ای، نورستانی، گوجر، عرب، براهویی، قزلباش، پامیری، قرقیز، سادات، مغول، سیک و غیره...) هستند و بر آنها نام انسان افغانستانی و مهاجر می‌نهند!!

هرچند خود مردم افغان خود را به یکی از این نژادها یا ملیت‌ها نام می‌نهند، ولی حاکمیت ضد انسان و ایرانی از ما بهتر - که برای فرماندار و شهردار شهر ری شیبه می‌کشند و هورا می‌فرستند - آن‌ها را انسان خارجی تبار و نان مفت خور در بعضی جاها با کلمات رکیک‌تری نام می‌برند که من از بیانش شرم دارم!

قبل از هرچیز باید به یاد داشته باشیم: که ایران یک کشور چند ملیتی و مملو از طوایف و تیره‌های گوناگون است و از الزامات اتحاد برای ما در ایران، یافتن یک راه حل دموکراتیک برای دست یابی به شهروندی برابر و همگرایی میان ملیت‌های این کشور است. به عبارتی ایران کشوری متشکل از ملت‌های کرد و بلوچ و ترک آذری و ترک قشقایی، ترکمن، فارس و عرب گرفته تا لر، عشایر فارس و بختیاری، کاسپین‌ها، گیلک و مازنی و... است که هرکدام آن‌ها دارای جغرافیای تاریخی و ویژگی ملی خوداند؛ بی‌گمان درد و رنج تبعیض نژادی، با نادیده گرفتن حقوق مدنی آنان و نوعی ژنوساید (کشتار جمعی) در طول حاکمیت دودمانی سلطنتی و حاکمیت اسلامی در کردستان - اعراب جنوب ایران و بین ترکمن‌ها و بلوچ‌ها و... با اعدام‌های فراوان، حمله و جنگ‌های نابرابر دولت مرکزی علیه ملت کرد باورنکردنی و قابل وصف نیست. چه در ایران، چه در ترکیه، عراق و سوریه و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به دست خویش یک اصل بدهی و غیرقابل مناقشه است. اگر کرد بودن در بعضی جاها از ایرانی بودن یا انسان بودن پیشی گرفته به همین خاطر است نه نژادپرستی یا برتری ملیتی، بلکه نمایاندن درد و رنج بیشتر آن مردم است. گولبر کرد همان حد زیر سُم اسبان حکومتگران است که سوختن بلوچ، یا عرب ساکن خوزستان یا ترکمن نادیده گرفته شده در جغرافیای شمال ایران... برای ما مشخص است؛ مردمان جامعه‌ی ما تنها و تنها در پرتو دوستی، همگامی و همگرایی گسترده و همبستگی و پیوند آنان با هم، خویشاوندی انسانی را در پهنه‌ی جغرافیای ایران فراهم می‌آورند و تنها اتحاد داوطلبانه ملیت‌های ساکن کشور ماست که می‌تواند دشواری‌های ملی را پاسخ گوید و این با خواست توأمان مردم این جغرافیا فراهم می‌آید؛ نه زد و بند رهبران احزاب و سازمان‌های قوم‌گرا.... عین این همسرنوشتی در خود جغرافیای

افغانستان بلا گرفته از بُود دهها گروه مذهبی نظیر: (حرکت اسلامی افغانستان- حزب وحدت اسلامی افغانستان- حزب الله افغانستان- شورای انقلاب اتفاق اسلامی افغانستان- جنبش اسلامی افغانستان و غیره ... ) گرفته تا دهها فرقه و سکت مذهبی دیگر تا داعش و طالبان نیز باید قابل رویت باشد. شعار «از کابل تا تهران، مرگ بر طالبان» بیان همین همگامی مردمان ما با همدیگر است!

نلسون ماندلا چه خوب گفت: وقتی می‌توانی درد و رنج یک فرد را با مغز و استخوان حس بکنی که مثل یک فرد در ترکیه و ایران و عراق و سوریه زندگی بکنی. ما هم به عنوان یک فرد در ایران و... زندگی می‌کنیم، می‌بینیم که واقعاً اجحاف و زیاده روی در میان آنان به عینه دیده می‌شود.

من بر آنم: بیگانه هر اسی بزرگترین دردی‌یست که هر جامعه‌ای می‌تواند دچارش شود... این جماعت فکر می‌کنند با بدرفتاری با افغان‌ها، دشواری‌های جامعه ما حل و فصل می‌گردد؟

مصائب و مشکلات جامعه نه به دلیل ورود مهاجران، بلکه موجودیت خودنظام حاکم، علت وجودی بحران‌های مرکب اجتماعی است که بر حیات کشور ما عارض گردیده است. یعنی افغانستانی‌ها بحران‌ساز نیستند، کشور بحران زنده است و حاکمیت برای چند دلار بیشتر، بی آن‌که به مردمان جامعه ما اطلاع رسانی نماید، کمک‌های سالیانه را از جیبی به جیب دیگر می‌کنند و در عوض شرایط و امکانات لازم و مناسب را برای ورود مهاجران افغانی فراهم نمی‌کنند، مرزها را باز گذاشته تا افغانی‌های گریزان از دولت دوست و برادر جمهوری اسلامی، یعنی طالبان، از شر اژدهای کابل به افعی تهران پناه بیاورند و به مردم آدرس غلط می‌دهند. این پناهندگان افغانی نیستند که منابع کشور را مصرف می‌کنند. این حکومت جمهوری اسلامی‌ست که با داشتن آیت الله‌های ریز و درشت شکر خوار- ماهی خوار- چایی خوار - برنج خوار- زمین خوار- جنگل خوار- و همه چیز خوار و ژن‌های برترشان در هیکل آفازاده‌ها، کشور را غارت کرده و دزدان حاکم باید از ایران اخراج شوند و سرنگون گردند و نه هم‌زبان‌های زحمتکش افغانستانی که میهمان مايند. باری باید به فاشیسم حاکم در کشور و رودرویی آنان با مهاجران افغان با نابودی این نظام ضد بشری پایان داد.

جمعه ۱۹ مرداد ۱۴۰۳ برابر با ۰۹ اگوست ۲۰۲۴

**با مهاجران افغان قدری مهربان باشیم! (بخش اول)**

[https://www.andishe.nu/karegari/maghalat/2024/08/01/Aghan%20AmiR\\_1\\_Aug\\_2024.pdf](https://www.andishe.nu/karegari/maghalat/2024/08/01/Aghan%20AmiR_1_Aug_2024.pdf)